**هواللّه**

ای قوی قدیر دست تضرع ببارگاه قدست مرتفع امنای امرت را مایوس مفرما و السن کائنات بذکر بدایع قدرتت ناطق ورّاث امرت را بیش از پیش مدد بخش جمعی از ظهور خفیّات امرت و بروز لطائف حکمتت واله و حیرانند مصداق وعود منصوصه کتاب اقدست را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن ملائکه تائید پی در پی بفرست و آن موطن اعلی را جنّت ابهی نما صوت رجال امرت را گوشزد اقالیم بعیده نما و مدینه منوّره طهران را مطلع سرور عالمیان و مطمح نظر جهانیان کن عمود دیوان عدل اعظمت را باصبع اقتدار بلند نما و امم و قبائل متنازعه را در ظل ظلیلش در آور نقاب از وجه ناموس اعظمت بیفکن و بر فراز کرم الهی در ارض میعاد سراپرده وحدت عالم انسانی را منصوب ساز نهر دافق آئین نازنین را از قله شاهقش جاری نما و حیات جدید بر عالم و عالمیان مبذول کن بیت اعظمت را از پنجه اهل عدوان برهان و قدر و منزلتش را بر مدعیان ظاهر و آشکار کن حزب جائر را از شمال وهم بیمین یقین بکشان و بر زخم دل آن ستمدیدگان برحمت کبرایت مرهم نه مدینه عشق را شور و نشوری جدید عطا کن و اقالیم مجاوره را از چنگ آن قوم پر لوم نجات بخش ورّاث امرت را از تحدیدات ملکیه و شئونات آفاقیه و ظهورات ناسوتیه کونیه پاک و منزّه نما و خلعت عزّ قدسی بهر یک بپوشان از قید عسرت نجات بخش و باب رخا بر وجه منادیان امر بهائی بگشا اسرار علم لدنّی به پیروانت بیاموز و چشمه صنایع بدیعه و اکتشافات عظیمه از آن قلوب مجرده صافیه جاری نما قوائم و دعائم صلح اعظم را بسر پنجه اقتدار استوار فرما و محکمه کبرایت را بقوه تعلیمات بهیه ات در انجمن عالم تاسیس کن این مور ضعیف را بخدمت امنای امرت موفق دار و در اجرای وصایای محکمه ات تائید بخش بآنچه مایه سرور و روحانیت عزیزان تو است در جمیع شئون دلالت فرما توئی مجیر توئی دستگیر توئی مقتدر و توانا .

بنده آستانش شوقی